

سوسیال امپریالیسم چین و مرتضی محیط مرتد

مناسبات داخلی چین

ساختار جامعه‌ی چین یک ساختار سرمایه‌داری امپریالیستی است. برای اثبات این مدعا کافی است نظری هر چند اجمالی به داخل جامعه چین بیافکنیم. ما کمونیست‌ها بر این باور هستیم که در جامعه سوسیالیستی مالکیت خصوصی بر ابزار تولید وجود ندارد. این مالکیت در ساختار سوسیالیستی توسط طبقه کارگر سازمان یافته برچیده شده است. لذا در هر جامعه‌ی که مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و مالکین خصوصی بر ابزار تولید وجود داشته باشد، سوسیالیستی نبوده بلکه سرمایه داری ست.

هیچ سیستم سرمایه‌داری‌یی در جهان به مانند سیستم سرمایه‌داری امپریالیستی چین قادر نیست در چارچوب قلمرو سیاسی خود بیش از یک میلیارد نیروی مولد را استثمار کند. در جامعه‌ی سوسیالیستی نه ابزار تولید خصوصی وجود دارد و نه افراد میلیاردی. در کشور امپریالیستی چین هر دوی آن‌ها وجود دارند.

در سال ۲۰۱۹ در چین ۴۹۶ میلیارد وجود داشت. در عرض یک سال ۲۰۲۰ میلیارد دیگر به این جمع اضافه شده است که مجموعاً ۶۹۸ میلیارد چینی را نشان می‌دهد. این رشد انفجاری میلیاردی‌های چینی نشان از گسترش روز افزون بازار و در نتیجه استثمار همه جانبه و گسترده کارگران چینی دارد. آمریکا با ۲۸ درصد از میلیاردی‌های جهان ۷۴۹ نفر در سال ۲۰۱۸ و ۳۶ درصد از ثروت میلیاردی‌ها، در رتبه اول این فهرست قرار دارد.

جدول شماره ۲ دقیق‌تر ۱۶ تن از این زالوهای اجتماعی سرمایه‌داری چین را روی پرده می‌آورد. این میلیاردی‌ها در رأس صدها کنسرن عظیم تولیدی و مالی نشسته‌اند و به کسب ابر سود از کارگران چینی و دیگر کشورها مشغول‌اند. چه نیروی اجتماعی از این کنسرن‌های خصوصی و میلیاردی‌ها در رأس آن‌ها پشتیبانی می‌کند، آن‌ها را می‌پرورد و راه را برایشان هموار می‌کند؟ این وظیفه را دولت امپریالیستی چین به عهده دارد. شی چین‌پینگ در 15.9.2020 در سخنرانی خود با تیتیر «تأکید بر تقویت کار جبهه‌ی متحد اقتصاد خصوصی در عصر جدید» به روشنی از اقتصادی خصوصی حمایت می‌کند.^۲

به روشنی می‌شود دریافت که دولت چین حافظ تقدس مالکیت خصوصی است. با توجه به اینکه وظیفه حفظ و حمایت این میلیاردی‌ها به عهده دولت امپریالیستی چین است، سمت حمله این دولت علیه کیست؟ سمت حمله‌ی این دولت علیه کارگران چینی است. دولت در خدمت کارفرمای خصوصی و دولتی در مقابل کارگران ایستاده است.

تا زمانی که پرولتاریای چین در رأس قدرت بود، قانونی برای تنظیم و کنترل روابط کارگران و کارفرمایان وجود نداشت. کارگران حاکم بودند و کارخانجات و کلیه‌ی مؤسسات تولیدی در مالکیت طبقه‌ی خودشان بود.

بعد از به قدرت رسیدن تنگ سیائوپینگ، هزاران کارگر و دانشجو که منشأ کارگری داشتند در میدان تین آن مین علیه گرانی روز افزون و فاصله طبقاتی فزاینده اعتراض کردند که در ۴ یولی ۱۹۸۹ به خون کشیده شد. «ما نتوانستیم تعداد کشته شدگان در این شب را بشماریم. اما ما آن‌ها را روی آسفالت بولوار تین آن مین افتاده دیدیم که به خود می‌پیچیدند.» به گفته ناظرین تعداد کشته شدگان حدود ۱۰۰ نفر بودند.

بعد از حاکمیت رویونیست‌ها به سرکردگی تنگ سیائوپینگ، بسیاری از مؤسسات مالی و تولیدی چین خصوصی گردید. از ۱۹۹۰ که درهای چین به روی سرمایه‌های خارجی باز گردید، صدها میلیون کارگر به طبقه کارگر چین اضافه شد. از این به بعد هسته‌های قوانین کارگری و کنترل قانونی روابط کارفرما و کارگر شکل گرفت و گام به گام با تغییر شرایط طبقه کارگر به نفع کارفرما تغییر کرد. در سال ۲۰۰۰ میلادی جیانگ تسه‌مین قانون جلوگیری از عضویت صاحبان شرکت‌های تولیدی خصوصی (که تا زمان مائو تسه‌دون دشمنان طبقه کارگر شمرده می شدند) در حزب کمونیست چین را، لغو کرد. او بر این نظر بود که حزب کمونیست چین نه تنها نماینده‌ی طبقات و اقشار انقلابی مثل

۱- <https://www.capital.de/karriere/milliardaere-das-sind-die-10-reichsten-chinesen>

۲ - منبع آمار: Neue Bürger Zeitung - آدرس اینترنتی: <https://www.nzz.ch/pro-global/asien/chinas-kp-greift-bei-privaten-unternehmen-durch-ld.1577858?reduced=true>

طبقه کارگر، سربازان و دهقانان، بلکه همچنین نماینده‌ی «نیروهای پیشروی تولیدی» کشور نیز می‌باشد. ۳ و امروزه بسیاری از صاحبان کنسرن‌های عظیم چینی عضو حزب کمونیست چین هستند. مثل جک ما بنیان‌گذار کنسرن علی بابا. ۴ جک ما بزرگترین میلیاردر در رأس یک کنسرن عظیم بین‌المللی خصوصی است. از این افراد در حزب کمونیست چین فراوانند.

قدرت گرفتن صاحبان تولید خصوصی در حزب کمونیست چین و فاصله روز افزون طبقاتی در کشور باعث گردید که در ۱ ژانویه ۲۰۰۸ قانون قرارداد کار (به چینی: lao dong he tong fa) توسط دولت و کارفرمایان تنظیم گردد. این قانون که پشتوانه‌ی آن تظاهرات میلیونی کارگران چین علیه کارفرمایان جدید بود، نکات مثبتی را در خود نهفته دارد. ولی این نکات مثبت همانند نکات مثبت در قانون اساسی رژیم جمهوری اسلامی ایران است. فقط روی کاغذ معتبرند. به هر جهت وجود چنین قانونی اثباتی است بر ساختار سرمایه‌داری در چین.

بعد از آن، اعتصاب معلمان آغاز شد. در چین ۱۳٫۵ میلیون معلم تمام وقت وجود دارد که ترکیب آن به قرار زیر است: ۱٫۸ میلیون معلم پیش دبستانی، ۵٫۷ میلیون معلم دبستانی، ۳٫۵ میلیون معلم راهنمایی و ۲٫۵ میلیون معلم دبیرستانی و فنی. (آمار ۲۰۱۴). متوسط مزد یک معلم روستائی در ماه فقط ۲۵۰۰ یوان است. اعتراض گسترده معلمان در ۲۰۰۷ باعث شد که شکاف بین مزدها کمی تنگتر شود. این نیز درد را درمان نکرد. در ۲۰۱۰ دوباره مبارزه معلمان اوجی تازه یافت. در ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ حدود ۱۶۸ اعتصاب گسترده معلمان ثبت شده که این فقط ۱۵٪ از کل اعتصابات واقعی معلمان چینی می‌باشد.

در سال ۲۰۱۵ تعداد اعتصابات کارگری ثبت شده ۲۷۷۵ دفعه بوده است از سال ۲۰۱۶ به بعد مبارزه کارگران چینی بر زمینه‌ی دستمزدهای پرداخت نشده، کاهش دستمزد، افزایش شدت کار، روزهای طولانی کار و محیط سخت و غیر انسانی کار در جریان است. این مبارزات که فقط جنبه‌های اقتصادی و رفاهی دارند، نه توسط یک نیروی سازماندهنده بلکه خود به خودی شکل می‌گیرند. به همین جهت دیرپا نیستند.

وقتی اخراج ۵ الی ۶ میلیون کارگر معدن بر ملا گردید، ۱۰ هزار کارگر معدن از استان‌های Heilongjiang و Shuangyashen همراه خانواده‌هاشان برای تحت فشار قرار دادن فرماندار منطقه به فرمانداری رفتند، فرماندار غدر می‌خواهد ولی در خفا نیروی عظیم نظامی را علیه آن‌ها به صحنه می‌فرستد. ۵ به دلیل عدم امکان این نوشته در ارائه‌ی گسترده‌ی مبارزات کارگری در چین، به همین اندک بسنده می‌کنیم. لذا قدری هم به تلاش‌های بین‌المللی این امپریالیسم نو خاسته می‌پردازیم.

سیاست خارجی چین

چین یکی از بزرگترین صادرکنندگان سرمایه در سطح بین‌المللی است. لنین در کتاب «امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله‌ی سرمایه‌داری» می‌نویسد: «صدور کالا صفت مشخصه‌ی سرمایه‌داری سابق بود که در آن رقابت آزاد تسلط کامل داشت. صفت مشخصه‌ی سرمایه‌داری نوین که در آن سیادت با انحصارهاست، صدور سرمایه است.» ۶ سرمایه‌داری چین که در هزاران کنسرن داخلی و بین‌المللی خود را سازمان داده است، صدور سرمایه را توسط ابر کنسرن‌های بین‌المللی خود سازمان می‌دهد.

در نتیجه حتی فقط با حرکت از تئوری مارکسیستی – لنینیستی سرمایه، (حرکت از تئوری م. ل. سرمایه را نمی‌فهمم) سرمایه دولت سرمایه‌داری چین که پایش را از حیطة چین بیرون گذارده است، با صدور هزاران میلیارد سرمایه، به دومین کشور امپریالیستی بزرگ جهان تبدیل شده است. این عمل، قانون تکامل سرمایه‌داری است. سرمایه‌داری رقابت آزاد وقتی پایش را به صحنه بین‌المللی می‌گذارد و به صدور سرمایه می‌پردازد تبدیل به سرمایه‌داری امپریالیستی می‌شود. این کشف عظیم را ما مدیون ولادیمیر ایلیچ لنین هستیم. قبل از خط زیر تیتر لازم است

۳- <https://taz.de/Aus-Le-Monde-> www.monde-diplomatique.de/zeitung/ قرائت در ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۱ از www.monde-diplomatique.de/zeitung/ /diplomatie/!۵۷۸۴۵۷۵

۴- Rimin Ribao (روزنامه مردم – ارگان حزب کمونیست چین – منتشره در ۲۶ نوامبر ۲۰۱۸) برگرفته از مجله آلمانی Spiegel منتشره در ۲۷ نوامبر ۲۰۱۸

۵- اطلاعات سه پاراگراف فوق برگرفته از سایت <https://www.tribunezamaneh.com/archives/۳۵۴۳۸>

۶- لنین – آثار منتخب – جلد اول قسمت دوم – «امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله‌ی سرمایه‌داری» – صفحه ۵۸۶

ولی سوسیال دمکرات‌هایی که به مارکسیسم خیانت کرده‌اند گوششان به این حرف‌ها بدهکار نیست. از جمله این افراد مرتضی محیط است که سابقاً مارکسیست بوده و آرام و مخفی به یک سوسیال دمکرات راست تبدیل شده است. او با توضیح یکی از عوامل موفقیت چین در زمان مائو تسهدون، مشت خود را باز می‌کند. «بعد از راه پیمائی طولانی ... مارکسیسم را به جای این که ملائقطی یاد بگیرند و یا پیاده بکنند ... پیاده کردن دیدگاه مارکس با شرایط چین است [بود]. همین طور که الان سوسیالیسم امروز با چهره‌ی چینی است.» (تکیه از نویسنده‌ی این مقاله)

این یک واقعیت است که مائو تسهدون مارکسیسم - لنینیسم را خلاقانه در شرایط چین پیاده کرد. مرتضی محیط با بیان این واقعیت تلاش می‌کند تا تاریخ روسیه و چین را جهت رسیدن به این نتیجه که رهبران امروزه چین همانند مائو تسهدون در حال پیاده کردن سوسیالیسم با شرایط چین هستند، جعل نماید. نتیجه‌ی که او می‌گیرد این است که: چین یک کشور سوسیالیستی است.

او معتقد است که مائو تسهدون تا پیروزی انقلاب دمکراتیک نوین، انقلابی بود و بعد از انقلاب سوسیالیستی در چین این تنگ سیائوپینگ بود که خط انقلابی را نمایندگی می‌کرد و مائو تسهدون از مارکسیسم دور شده بود. در آخر نیز نتیجه می‌گیرد که چین روی خط تنگ سیائوپینگ سوسیالیستی گشته است. به دُر افشانی او توجه کنیم: «مائو تسهدون به این گفته مارکس توجه نکرد. با پائین بودن و فقر نیروهای مولده شما سوسیالیسم را نمی‌توانید پیاده بکنید... این بحث ... هم سرنوشت انقلاب اکتبر را رقم زد، هم در مورد چین اگر ادامه می‌داد ... تنگ سیائوپینگ این را متوجه شد.»

به نظر می‌رسد که مرتضی محیط زیرکتر از این باشد که مشت خود را به این آسانی باز کند و درون ضد مارکسیستی - لنینیستی خود را بنمایاند. مرتضی محیط علیه انقلاب سوسیالیستی اکتبر و انقلاب سوسیالیستی در چین موضع دارد. از نظر او چون نیروهای مولده هنوز به اندازه‌ای که مرتضی محیط ارزیابی می‌کند رشد نکرده بودند، در نتیجه پرولتاریای روسیه و در رأس آن حزب بلشویک به رهبری لنین نمی‌بایست انقلاب می‌کرد. باید تحت سلطه کرنسکی می‌ماند و می‌پوسید. چین نیز باید در همان ساختار دمکراتیک بورژوائی پیش از انقلاب سوسیالیستی دست و پا می‌زد. در واقع مرتضی محیط از موضع سرمایه‌داری امروزه چین علیه ساختمان سوسیالیسم در روسیه در زمان لنین و استالین و خط انقلابی مائو تسهدون ایستاده است. او در این سخنرانی، تئوری سه جهان را که اتفاقاً توسط تنگ سیائوپینگ تدوین شده بود به مائو تسهدون نسبت می‌دهد.

زا جانب دیگر موضعی را که بعضی از کمونیست‌ها و سوسیال دمکرات‌ها اتخاذ می‌کنند، درخور توجه است: با هیچ مستمسکی و موضع شرمگینانه نمی‌توان این قانونمندی عام کشف شده از جانب لنین و واقعیت چین را نفی نمود و خجالت زده با سری به زیر افکند و دزدکی گفت: آری درست است که چین سرمایه‌داری است ولی امپریالیستی نیست. این اپورتونیست‌های لاعلاج در واقع علیه دستاوردهای لنین و واقعیات چین موضع می‌گیرند. چنین موضع گیری، ضد کمونیسم را در شیوه تفکر شریف‌ترین کمونیست‌ها به وجود می‌آورد و رشد می‌دهد.

در جهان کنونی ۵۰۰ ابر کنسرن بین‌المللی به صورت حاکمین واقعی جهان، مکنده‌های خود را توسط حدوداً یک میلیون کنسرن بین‌المللی دختر تحت سلطه خود در شرکت‌های تولیدی و مالی کشورهای مختلف فرو کرده و ثروت‌های ملی این کشورها را می‌مکنند. از ۱۰۰ ابر کنسرن بزرگ بین‌المللی ۲۳ عدد کنسرن چینی است (جدول شماره ۱) که بسیاری از آن‌ها کاملاً خصوصی و بعضی نیز خصوصی - دولتی‌اند مثل Ping An Insurance (رتبه ۲۹) که یک کنسرن عظیم بیمه و مالی به صورت شرکت سهامی است که هر کسی می‌تواند در آن سهام‌گردد. این کاملاً روشن است که یک مؤسسه‌ی سهامی بین‌المللی، یک مؤسسه‌ی استثمارگرانه‌ی امپریالیستی است.

کل ابر کنسرن‌های چینی در بین ۵۰۰ کنسرن یاد شده، بین ۱۱۵ تا ۱۲۵ عدد در نوسان است. در رأس این ۵۰۰ ابر کنسرن بین‌المللی ۱۰ بانک بزرگ جهانی قرار دارد که کل ۵۰۰ کنسرن را تحت کنترل دارند. از این ده بانک بزرگ ۴ عدد آن که رتبه اول تا چهارم را دارند، بانک‌های چینی هستند. ۱- بانک صنعت و تجارت چین. ۲- بانک طرح و برنامه چین. ۳- بانک کشاورزی چین. ۴- بانک چین.

کافی است نظری به مبلغ مورد معامله کنسرن‌های بین‌المللی چین بیاندازیم تا واقعیت هولناک استثمار کارگران جهان توسط آن‌ها روشن شود. 16.330.775.000.000 دلار آمریکا (جدول ۱)

اساساً وقتی از چپاول نیروی کار در سطح جهان صحبت می‌شود، منظور چپاول توسط این کنسرن‌های بین‌المللی است. مثلاً وقتی دولت چین با دولت ایران قرارداد ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در ایران را منعقد می‌کند، کنسرن‌های

بین‌المللی چین وارد معامله می‌شوند، کنسرن‌های نفتی، کنسرن‌های مواد غذایی، کنسرن‌های تولیدات صنعتی و غیره و غیره...

از آمار و اطلاعات روشن می‌گردد که مالکیت شخصی بر ابزار تولید به طور وسیع در چین دست بالا دارد. سرمایه‌های چینی به صورت سرمایه خصوصی در شرکت‌های خصوصی و کنسرن‌های دولتی - خصوصی بین‌المللی به چپاول و غارت بخش عظیمی از کارگران جهان مشغول‌اند. رؤسای کنسرن‌های عظیم تولیدی و مالی خصوصی و دولتی، حاکمین واقعی در دولت و حزب کمونیست چین هستند.

وقتی سرمایه‌داری یک کشور مثل چین بیش از یک میلیارد از مردم کشور خودش و چند میلیارد از کارگران کشورهای دیگر را استثمار می‌کند، اقتصادش رشد می‌کند، با رشد اقتصاد یک کشور امپریالیستی، استثمار زحمتکشان و کارگران آن کشور تشدید می‌شود. چهره‌ی جامعه عوض می‌شود، ساختمان‌های سر به فلک کشیده متعلق به کنسرن‌های عظیم مثل قارچ از زمین می‌روید. برای حمل و نقل آسان، جاده‌ها نوسازی می‌شود، و برای استثمار بیشتر و شدیدتر کارگران ماشین‌های کارخانجات مرتب مدرن و نو می‌شود. از این ثروت بی انتها قطراتی نیز در درون طبقه کارگر می‌چکد به ویژه سرکارگران را راضی می‌سازد ولی با نو سازی دائم ابزار تولید ارزش نیروی کار کم می‌شود که در ادامه‌ی آن ارزش کالا سقوط می‌کند و نرخ سود آوری تولید کم می‌شود.. سرمایه دار برای جبران کم شدن سودش، به تولید میافزاید که دوران این پروسه تولید را با بحران ذاتی سرمایه‌داری رو به رو می‌سازد. همان گونه در چین چنین است. تروتسکیست‌ها، رویونیست‌ها و اپورتونیست‌ها این رفاه اندک سرکارگران چینی را نشانه‌ی از انقلابی و مردمی بودن دولت چین ارزیابی می‌کنند. سطح معیشت این اندک کارگران به هیچ وجه ربطی به انقلابی و یا ارتجاعی بودن یک ساختار اجتماعی ندارد. در هیچ کشوری سطح معیشت کارگزارانش به سطح معیشت کارگران آلمان نمی‌رسد. ولی چه کسی نمی‌داند که آلمان یک کشور امپریالیستی است که کارگزارانش با شدیدترین وجه استثمار می‌شوند. البته باید به بعضی فراموشکارها و یا کودکان‌های سیاسی یادآور شد که استثمار با سرکوب فرق می‌کند.

در این جا بد نیست چاپلوسی و مجیزگویی مرتضی محیط را نیز از فعالیت‌های مشعشعانه دولت کارگر پرور چین گوش کنیم: « این یک تجربه عظیم تاریخی است. که بدون این که تجاوز کنی، بدزدی، چپاول کنی، میتوانی واقعاً رشد بکنی با خون و پی و رگ این مردم... ، صنعتی بشی، از نظر تکنولوژی... این طور پیش بری.»

قسمت دوم این نقل قول واقعیت است که سرمایه‌داری چین با خون و پی و رگ این مردم، رشد کرده و فربه شده و برای این فربه شدن صنایع خود را به لحاظ تکنولوژیک نوسازی نموده است.

حال می‌پردازیم به بخش اول نقل قول. ما در مقالات متعددی به کرات تحول بسیار مهم در سازمان تولید سرمایه‌داری بین‌المللی را توضیح داده‌ایم. در این جا فقط یاد آور می‌شود که از سال‌های ۷۰ قرن گذشته و به ویژه از سال‌های اولیه‌ی ۱۹۹۰ در سازمان تولید سرمایه بین‌المللی تحولی رخ داد که ناشی از آن ۵۰۰ ابر کنسرن بین‌المللی در رأس حدود یک میلیون کنسرن دختر، در قله‌ی هرم جهانی سیستم امپریالیستی قرار گرفتند و کلیه دولت‌های موجود را به سازمان‌های خدماتی خود تبدیل نمودند. لذا وابستگی کشورهای کوچک به کشورهای بزرگ امپریالیستی از بین رفت و وابستگی همه جانبه‌تر این دولت‌ها به کنسرن‌های بین‌المللی امپریالیستی جای آن را گرفت. مثلاً رژیم جمهوری اسلامی ایران، مثل دوران پهلوی، وابستگی به دولت انگلیس و آمریکا و غیره ندارد. ولی به کنسرن‌های بین‌المللی به ویژه به کنسرن‌های بین‌المللی چینی و روسی کاملاً وابسته است. لذا وقتی یک یا چند کنسرن بین‌المللی به کشوری سرمایه‌صادر می‌کنند، دولت آن کشور به عنوان سازمان خدمات دهنده به این کنسرن‌ها، نقش چماق آن‌ها را در سرکوب طبقه کارگر، زحمتکشان و نیروهای مترقی، ایفا می‌کند. از این منظر، سرمایه‌داری چین با شدتی بی نظیر و همه جانبه توسط دولت‌هایی که در آن کشورها سرمایه صادر کرده است، به سرکوب و مهار کارگران و زحمتکشان مشغول است. لذا مجیزگویی مرتضی محیط از دولت چین با واقعیت سرکوبگر و خون ریز این دولت چه در داخل چین و چه در سطح بین‌المللی، همخوانی ندارد. سرمایه‌داری چین هم می‌دزدد، هم تجاوز می‌کند و هم چپاول. و هم به نیابت از خود نیروی نظامی گسیل می‌کند.

مرتضی محیط، سوسیال دمکراتی که مسحور تبلیغات سوسیال امپریالیسم چین گشته است و با تمام نیرو از این امپریالیسم نو خاسته حمایت کرده و برایش تبلیغ می‌کند، در سخنرانی یوتوبی «تلویزیون افغان» خود در تاریخ ۳ یولای ۲۰۲۱ یک سیستم کامل جعل حقایق را ارائه می‌دهد.

او در ابتدا با بیان سیاست استعماری دولت انگلیس در آسیا سعی می‌کند برای ایران و چین تاریخ مشترک پیدا کند و احساسات مردم ایران را به پشتیبانی از دولت امپریالیستی چین امروز برانگیزد. در حالی که تاریخ ۳۰۰ ساله ایران و چین وجه مشترک کمی با هم دارند. تزاریسیم بخش وسیعی از ایران را از ایران جدا نمود، در چین هیچ قدرتی نتوانست بخشی از آن را جدا نماید. انگلیس، افغانستان را جدا نمود، در چین شبیه چنین اتفاقاتی حادث نشد. در چین جنگ تریاک روی داد، ژاپن بخشی از سر زمین چین را با نیروی نظامی تسخیر کرد ولی جدا ننمود. در ایران هیچگاه چنین اتفاقی نیفتاد. در ایران حزب کمونیست ایران در ۱۲۹۹ به وجود آمد و در ۱۳۱۰ توسط رضا شاه سرکوب شد. در چین حزب کمونیست چین در ۱۹۲۱ به وجود آمد و پس از حوادث بی شماری توانست پرولتاریای چین را جهت کسب قدرت سیاسی رهبری کند. در ایران هیچگاه چنین حادثه‌یی رخ نداد. در چین، سوسیالیسم توسط سرمایه‌داری شکست خورد و به یک کشور امپریالیستی تبدیل شد. ایران به یک کشور سرمایه‌داری وابسته تبدیل گردید که اکنون قدم به قدم زیر پنجه‌های استثماری امپریالیسم همان چین فرو می‌رود.

او حتی دکتر سون یاتسن را با مصدق همانند می‌گیرد: «دکتر سون یاتسن مثل دکتر مصدق خودمان بود.» این ادعا درست نیست. دکتر سون یاتسن با کمونیست‌ها به طور فشرده‌ای کار می‌کرد و نزدیک بود ولی دکتر مصدق عمیقاً ضد کمونیست بود. او فکر می‌کرد حزب توده یک حزب کمونیستی است و به این دلیل هم رفتارش با حزب توده بسیار خصومت آمیز بود.

او در ادامه طرهات و هذیان‌های خود می‌گوید: «مردم چین باید مفتخر باشند که به روز امروز به این عظمت رسیده‌اند.» ما در سطور پیش نشان دادیم که استثماری بی رویه مردم چین و جهان توسط سرمایه‌داری امپریالیستی چین باعث گردیده که چهره ظاهری چین چنین تغییر شگرفی را روی صحنه آورد. مرتضی محیط می‌خواهد القا کند که آیا نباید از سیاست‌های چنین دولتی پشتیبانی کرد. ادامه این سیاست عبارت است از کشاندن مردم به پشتیبانی از صدور ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه چینی به ایران و مناسبات استثماری چینی با جمهوری اسلامی ایران.

مرتضی محیط در این سخنرانی دائم تاریخ حزب کمونیست را جعل می‌کند و وارونه جلوه می‌دهد. او می‌نویسد، در حزب کمونیست چین بعد از ۱۹۱۷ «آنهائی که در رهبری دست بالا را دارند منجمله چن دو سیو می‌خواهد که انقلاب چین را با سه میلیون [انجام دهد - علتی که می‌گوید این است که او تروتسکیست بود]، مائو تسهدون پس از سرکوب کمونیست‌ها توسط چیان کائیشک در سال ۱۹۲۷ به «جنبش دهقانی می‌پیوندد» ولی «حزب به رهبری چن دو سیو همان طور روی افکار سابق‌اش میماند که حزب بعداً بیرونش می‌کند.»

این مدعای مرتضی محیط بخش اعظم واقعیت را منعکس نمی‌کند. واقعیت این است که تروتسکیست‌ها منجمله چن دو سیو در طول تاریخ‌شان مرتب شعارهای انقلابی می‌دهند ولی در عمل به راست‌ترین جناح‌ها خدمت می‌کنند. از سال ۱۹۲۷ جنبش دهقانی به رهبری مائو تسهدون توانست با بسیج دهقانان، فئودالیسم را در روستاهای تحت کنترل‌شان کاملاً ضعیف کند. رهبری حزب کمونیست چین منجمله چن دو سیو با این رادیکالیسم مخالف بود. در مقابل عمل انقلابی دهقانان، مائو تسهدون و دیگر انقلابیون کمونیست می‌گفتند «بسیار خوب است» در حالی که چن دو سیو و طرفدارانش می‌گفتند «بسیار بد است». چن دو سیو هم‌زمان با رهبران ارتجاعی کومینگدان به جنبش دهقانان می‌گفت «جنبش پابرهنگان» در حالی که انقلابیون آن را «پیشاهنگ انقلاب» می‌نامیدند. چن دو سیو یک فرار طلب بود که به کوهستان جینگان آمده بود. او هیچگاه حتی بعد از اخراج از حزب به سازماندهی کارگران نپرداخت. این خط مائو تسهدون بود که تحت آن می‌بایست در عین شرکت در جنبش دهقانی، همه جانبه در جنبش کارگری برای سازماندهی کارگران شرکت کرد. در واقع چن دو سیو را نه به خاطر چپ روی، آن طور که دکتر محیط مدعی است، اخراج می‌کنند بلکه به خاطر راست روی و جلو گیری از انقلاب دهقانی از حزب بیرون می‌اندازند. «رفیق مائو تسهدون در عین حال توجه حزب را به درس‌های تاریخی شکست انقلاب ۱۹۲۷ که اپورتونیسیم راست چن دو سیو مسبب آن بود، جلب نمود...»^۸

۷- مائو تسهدون - آثار منتخب - جلد اول - مقاله «گزارش درباره‌ی بررسی جنبش دهقانی حوان - صفحه ۴۲

۸- مائو تسهدون - آثار منتخب - جلد اول - زیر نویس مقاله «درباره‌ی تاکتیک‌های مبارزه علیه امپریالیسم ژاپن» - صفحه ۲۳۲

نمونه‌یی دیگر از افاضات دیگر دکتر محیط: «تا سال ۱۹۳۴ در اثر این بمباران‌ها ۹۰ درصد هم از ارتش سرخ و نیروهای دهقانی و غیره و غیره از بین می‌روند و در نتیجه این‌ها مجبور می‌شوند راه پیمائی طولانی را آغاز کنند. که از ۱۹۳۴ آغاز می‌شود به مدت دو سال...»

این موضع منطبق است با موضع نشریات و تبلیغات سرمایه‌داری. ویکیدیا چنین می‌نویسد: «راه پیمایی طولانی (اکتبر ۱۹۳۴ - اکتبر ۱۹۳۵)، یک عقب نشینی نظامی‌ست، که توسط ارتش سرخ حزب کمونیست‌ها چین...، برای فرار از تعقیب ارتش کومین‌تانگ (حزب ملی‌گرای چین) انجام شد». می‌بینید که مرتضی محیط از ویکیدیا رونویسی کرده است.

این تاریخ گوئی و تاریخ نویسی جعل واقعیات است. در سال ۱۹۳۱ [و نه در سال ۱۹۳۴] بر اثر سیاست چپ روانه‌ی لی‌لیسان بر مبنای گفتار مائو تسه‌دون ۹۰ درصد پایگاه‌ها و نیروهای حزب از بین می‌روند و لی‌لیسان به شوروی می‌گریزد. نیروهای ارتش سرخ مجبور به جا به جایی می‌شوند. ارتش ژاپن تهاجم گسترده‌ی خود را از ۱۹۳۳ به جنوب دیوار بزرگ آغاز می‌کند. ارتش سرخ (ارتش کارگران و دهقانان) و بخشی از کارگران و دهقانان غیر ارتشی و غیر حزبی در اکتبر ۱۹۳۴ برای مقابله با تهاجم ژاپن، راه پیمائی ۱۲ هزار کیلومتری خود را آغاز می‌کنند. مائو تسه‌دون در ۱۹۳۵ می‌نویسد: «امپریالیست‌های ژاپن قصد خود را دایر بر پیشروی به سوی جنوب دیوار بزرگ و اشغال سراسر چین آشکار ساخته‌اند.» او بر خلاف مرتضی محیط که راه پیمائی طولانی را فرار از مقابل چیان‌کایچک می‌داند، آن را اقدامی برای رو در روئی با تهاجم ژاپن و دفاع از میهن می‌داند و می‌نویسد: «این راه پیمائی به دویست میلیون نفر مردم یازده استان خبر داد که راه ارتش سرخ یگانه راه آزادی آن‌هاست.»^۹

جعل تاریخ به ویژه جعل تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی، سبک کار بورژوازی، خرده بورژوازی ضد کمونیست و روشنفکران گیج و اخته است.

او می‌گوید انقلاب روسیه فقط از آوریل ۱۹۱۷ تا اکتبر ۱۹۱۷ طول کشید در حالی که انقلاب چین ۲۲ سال به طول انجامید. این یک نگرش سطحی و مقرضانه به مسأله انقلاب روسیه و جعل این تاریخ است. انقلاب روسیه در ۱۹۰۵ آغاز شد. پس از یک شکست نظامی و برقراری ترور در روسیه، جنبش کارگری و کمونیستی با شدت و حدت ده چندان به تدارک ادامه‌ی انقلاب پرداختند. انقلاب فوریه ۱۹۱۷ و انقلاب سوسیالیستی اکتبر ۱۹۱۷ در واقع ادامه انقلاب ۱۹۰۵ بود. در ابتدای انقلاب سوسیالیستی مسأله ارضی و تصویب حساب با بورژوازی ده حل نگردید. ادامه انقلاب سوسیالیستی و تکامل اجتماعی آن فقط با صنعتی کردن جامعه و نابودی مناسبات اقتصادی - سیاسی بورژوازی ده (اقتصاد کولاکی) ممکن بود. این انقلاب تحت رهبری استالین تا ۱۹۳۸ به طول انجامید.

محیط می‌نویسد: «ما می‌دانیم که لنین چطور مجبور می‌شود زمین‌ها را بین دهقانان در حقیقت خصوصی‌شان بکند، در حالیکه به دلیل این که حزب کمونیست چین با دویست میلیون در حقیقت دهقانان چین کار کرده بود راضی‌شان می‌کند که زمین‌ها عمومی بماند. و این یکی از پایه‌های پر عظمت در انقلاب چین است.»

این که در انقلاب ۱۹۱۷ زمین‌ها را اشتراکی کردند شکی نیست ولی لنین و حزب کمونیست روسیه مجبور شدند با طرح نپ برای مدتی زمین‌ها را به دهقانان فقیر و میانه حال برگردانند. از ۱۹۲۷ که طرح نپ پایان یافت، گام به گام و نه یکباره، اشتراکی کردن زمین‌ها تحقق یافت.

در چین نیز بر خلاف ادعای جناب آقای دکتر مرتضی محیط، در وحله‌ی اول زمین‌ها عمومی و یا اشتراکی نشد بلکه گام به گام این امر تحقق یافت. در حالی که انقلاب دهقانی در حونان بنیان مالکین بزرگ ارضی و فنودال‌ها را در هم می‌پیچد ولی زمین داری متوسط و مالکیت دهقانی را از بین نمی‌برد. در مورد خواست دهقانان و سازمان حزب کمونیست چین در آن منطقه به مائو تسه‌دون رجوع می‌کنیم: «منع افزایش بهره‌ی مالکانه و وثیقه، تبلیغ به منظور تقلیل آن‌ها... باز داشتن مالکان ارضی از پس گرفتن زمین‌های مورد مزارع.»^{۱۰} جمله اخیر به این معناست که مالکین زمین سعی می‌کردند که دهقانان را از زمین‌های خود بیرون کنند و دیگری را با شرایط بهتر برای خود روی زمین‌ها به کار بگمارند. دهقانان مانع این کار شدند. اشتراکی کردن زمین یک پروسه بغرنجی را تا سال ۱۹۵۳ که انقلاب سوسیالیستی در چین آغاز گشت، طی نمود. از این تاریخ است که اشتراکی کردن زمین کاملاً تحقق یافت.

۹ - مائو تسه‌دون - آثار منتخب - جلد اول - زیر نویس مقاله «درباره‌ی تاکتیک‌های مبارزه علیه امپریالیسم ژاپن» - صفحه ۲۴۲

۱۰ - مائو تسه‌دون - جلد اول آثار منتخب - مقاله «بررسی جنبش دهقانی حونان» - صفحه ۵۷

چنان که ملاحظه می‌شود در توضیح تاریخ اساساً نمی‌توان به مرتضی محیط اعتماد کرد. او یا در فهم و مطالعه تاریخ کودن است و یا دارای آن موضع طبقاتی است که برای رسیدن به هدف استفاده از هر وسیله‌ی را مجاز می‌شمارد. انقلاب چین و روسیه به واقع بزرگترین رویدادهای تاریخ جهان به نفع زحمتکشان و در مرکز آن‌ها کارگران صنعتی بود. دستاوردهای اقتصادی، سیاسی و علمی جوامع سوسیالیستی برای اولین بار در خدمت تکامل و شکوفائی انقلابی‌ترین و پیشروترین نیروی جهانی یعنی پرولتاریای صنعتی قرار گرفت. از چنین تاریخ درخشانی برای توجیه جنایات امپریالیسم روسیه و چین امپریالیستی امروز بهره گرفتن کار هر جعل‌کننده‌ی مبتدی نیست. تجربه مرتضی محیط را نیز می‌خواهد.

مرتضی محیط با بهره‌گیری از دستاوردهای گذشته این دو کشور سعی در ایجاد جوی دارد تا قبای سوسیالیستی پوشیده شده بر چین امپریالیستی را زیبا و انقلابی جلوه دهد.

نکته‌ی مهمی که در آخر باید یاد آور شد این است که مرتضی محیط چین را یک کشور فعال در پاکسازی محیط زیست معرفی می‌کند. ما در جدول زیر (جدول شماره ۳) واقعیت عکس آن را در می‌یابیم. آیا این هم یک اشتباه لپی است یا جعل یک واقعیت آشکار جهانی.

تعداد ابر کنسرن‌های چینی در بین ۱۰۰ ابر کنسرن بین‌المللی			
رتبه	نام کنسرن بین‌المللی	فروش سالانه - میلیارد دلار	رشته
۲	Sinopec	414.649	نفت و گاز
۴	China National Petroleum	392.976	نفت و گاز
۵	State Grid	387.056	Versorger
۲۱	China State Construction Engineering	181.524	ساختمان سازی
۲۶	ICBC	168.979	بانک
۲۹	Ping An Insurance	163.597	بیمه‌ها
۳۱	China Construction Bank	151.111	بانک
۳۶	Agricultural Bank of China	139.523	بانک
۳۹	SAIC Motor	136.392	اتومبیل
۴۴	Bank of China	127.714	بانک
۵۱	China Life Insurance	116.171	بیمه‌ها
۵۵	China Railway Engineering	112.133	ساختمان راه آهن
۵۶	China Mobile	112.096	مخابرات
۵۹	China Railway Construction	110.456	ساختمان راه آهن
۶۱	Huawei	109.03	تکنولوژی
۶۳	China National Offshore Oil	108.13	نفت و گاز
۶۷	China Development Bank	103.072	بانک
۸۰	China Resources	91.986	کنسرن مخلوط
۸۲	Dongfeng Motor	90.934	اتومبیل
۸۷	China FAW Group	89.805	اتومبیل
۸۸	Sinochem	89.358	Chemie
۹۳	China Communications Construction	88.14	ساختمان سازی
۹۷	Pacific Construction Group	86.623	ساختمان سازی
کل معاملات ۲۳ کنسرن بین‌المللی چینی در سال		دلار 3.266.155.000.000	
کل معاملات ۱۱۵ کنسرن بین‌المللی چینی در سال		دلار 16.330.775.000.000	
https://creditsun.de/finanzwelt/groessten-unternehmen-der-welt-nach-umsatz-2019			

جدول شماره ۱

منبع درآمد	ثروت به میلیارد دلار آمریکا	نام میلیاردر
<u>Nongfu Spring, Beijing Wantai Pharmacy Enterprise</u>	68,9 \$	<u>Zhong Shanshan</u>
<u>Tencent</u>	65,8 \$	<u>Ma Huateng</u>
<u>Pinduoduo</u>	55,3 \$	<u>Colin Huang</u>
<u>Alibaba Group</u>	48,4 \$	<u>Jack Ma</u>
<u>SF Holding</u>	39,0 \$	<u>Wang Wei</u>
<u>Midea Group</u>	37,7 \$	<u>He Xiangjian</u>
<u>ByteDance</u>	35,6 \$	<u>Zhang Yiming</u>
<u>Muyuan Foods</u>	33,5 \$	<u>Qin Yinglin</u>
<u>NetEase</u>	33,0 \$	<u>William Ding (Ding Lei)</u>
<u>Country Garden Holdings</u>	29,6 \$	<u>Yang Huiyan</u>
<u>Contemporary Amperex Technology</u>	28,4 \$	<u>Robin Zeng</u>
<u>Evergrande Real Estate Group</u>	27,7 \$	<u>Hui Ka Yan</u>
<u>Foshan Haitian Flavoring</u>	26,4 \$	<u>Pang Kang</u>
<u>Meituan</u>	26,1 \$	<u>Wang Xing</u>
<u>Chongqing ZFSW Biological Products</u>	24,4 \$	<u>Jiang Rensheng</u>
	<u>Tencent</u>	<u>Zhang Zhidong</u>

جدول شماره ۲

استخراج کرده است https://de.wikipedia.org/wiki/Liste_der_reichsten_Chinesen ویکیپدیا این اطلاعات را از نشریه Capital استخراج کرده است

کشور	جمعیت	کل تولید گاز CO2 در سال	میکروگرم در متر مکعب
جهان	7.896.905.650	36.441.000.000	???
چین	1.408.100.000	11.433.772.000	47,73
آمریکا	331.449.281	5.144.092.840	7,68
روسیه	144.400.000	1.797.780.000	11,78
قطر	3.091.509	120.012.379	???
عربستان سعودی	34.300.000	617.400.000	64,06
کویت	4.207.000	97.981.030	62,67
Aus den Daten des Statistischen Bundesamts – gelesen 19.9.2021		محاسبه توسط نویسنده	OECD – Umwelt

جدول شماره ۳

نظم کمونیستی

10.7.1400